



نویسنده + کتاب

شجاع باش!

گفت‌وگو با سید حسن حسینی ارسنجانى
نویسنده کتاب «زغال سرخ»

اسماعیل در کوهستان به قتل می‌رسد و جسد
یخ‌زده‌اش، همچون آتشی فروزان، قلب پسر بزرگش،
شجاع را می‌سوزاند. شجاع، جوانی پرغرور و جسور، با دیدن
بدن زخمی پدر، درمی‌یابد که او به عمد کشته شده و
تصمیم می‌گیرد هر طور شده انتقام پدرش را بگیرد. او
وقتی به محل قتل می‌رود، متوجه می‌شود بار زغالی که
پدر و خودش درست کرده بودند، دزدیده شده است؛ بار
زغالی که نماد تلاش و مقاومت پدرش در برابر ظلم بود.
این پرسش برایش پیش می‌آید: چه کسی دست به این
جنایت زده است؟

سیدحسن حسینی ارسنجان‌ی، نویسنده کتاب «زغال سرخ» در گفت‌وگو با ما درباره شجاع و پدرش اسماعیل و انگیزه‌های خود برای نوشتن این داستان صحبت کرده است:

دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ما نوجوان‌ها کمک می‌کند؟

این آثار تأثیر زیادی دارند، اما متأسفانه توجه کافی به آنها نمی‌شود. مرحوم امیرحسین فردی، با انتشار «مجموعه داستان انقلاب»، مسیر داستان‌نویسی در این حوزه را آغاز کرد و جشنواره «داستان انقلاب» تا مدتی ادامه داشت، اما اکنون این جشنواره تعطیل شده است.

رسانه‌ها نتوانسته‌اند به نسل جوان نشان دهند که شرایط زندگی در زمان شاه چگونه بوده است؛ تلویزیون نیز در فیلم‌هایی که درباره آن دوران ساخته شده، فقر، فلاکت و مشکلات مردم را نشان نداده و در کتاب‌ها و روزنامه‌ها نیز مطالب اندکی در این زمینه منتشر شده است.

کدام بخش از زندگی مردم در قبل از

انقلاب، بیشترین تأثیر را روی شکل‌گیری

انقلاب اسلامی داشت؟

بیشتر مشکلات مردم ناشی از فقر اقتصادی بود، درحالی‌که خوانین و دیگر مقامات محلی اختیار و قدرت زیادی بر مردم داشتند، اما سهم فقر اقتصادی در

روستاها بارزتر و ملموس‌تر بود. در بسیاری از روستاها هیچ‌گونه امکانات ابتدایی زندگی وجود نداشت؛ خانه‌های آجری بسیار کم بود، کوچه‌ها و خیابان‌ها خاکی بود، آب‌های مصرفی آلوده و بهداشت عمومی تقریباً برقرار نبود. برق، گاز و تلفن نیز در این مناطق وجود نداشت و مردم با شرایط بسیار سختی زندگی می‌کردند. خود من با گوشه‌ت و پوست خود این فقر و فلاکت و محرومیت را تجربه کرده‌ام.

با وجود محدودیت دسترسی به مناطق شهری، برنامه‌ریزی امام خمینی رحمة الله علیه برای آموزش و آگاهی‌بخشی به مردم نقش مؤثری داشت. روحانیونی که در خط امام

فعالیت می‌کردند، به‌ویژه در ماه رمضان، به روستاها و شهرستان‌ها اعزام می‌شدند و ضمن حضور در میان مردم، مسائل دینی، اجتماعی و سیاسی را آموزش می‌دادند. این حضور و آموزش، تأثیر مستقیم بر نسل جوان روستا داشت.

اگر بخواهید فقط یک صحنه از کتاب را به

نوجوان‌ها پیشنهاد دهید که بیشتر روی

آن فکر کنند، کدام صحنه است؟

در این اثر، صحنه‌های متعددی وجود دارد که جذابیت ویژه‌ای برای خوانندگان به‌ویژه جوانان دارد؛ اما نحوه روایت و زاویه‌دید نویسنده در ارائه این صحنه‌ها اهمیت

زیادی دارد. یکی از تأثیرگذارترین صحنه‌ها مربوط به شخصیت جوانی به نام شجاع، پسر پیرمردی به نام اسماعیل است. شجاع به باغ خان می‌رود و مشاهده می‌کند خان با یک انگلیسی در حیاط نشسته‌اند. او از پشت ساختمان وارد ساختمان می‌شود و لباس‌های خان را بررسی می‌کند تا دکمه‌ای را پیدا کند. این دکمه، متعلق به لباس پدرش است که پیش‌تر به دار آویخته شده و به دست خان کشته شده بود. پیدا کردن این دکمه باعث می‌شود شجاع ارتباط میان خان و شهادت پدرش را درک کند.